

ارزش «هیچ کس ها» از گلوله‌ای که آنان را می‌کشد بیشتر است:
خبرنامه نهم (۲۰۲۴)
۲۹ فوریه ۲۰۲۴

۱

24°3'55"N 5°3'23"E #2، عمار بوراس، الجزایر، ۲۰۱۲

دوستان عزیز،

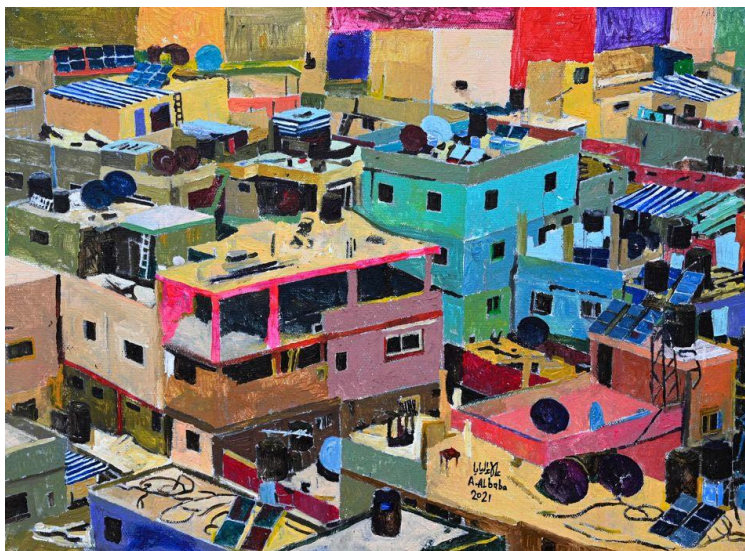
درود از طرف تری کنتیننتال: مؤسسه پژوهش‌های اجتماعی.

در ۲۰ فوریه، لیندا توماس-گرینفیلد، سفیر ایالات متحده در سازمان ملل متحد کار وحشتناکی کرد و قطعنامه الجزایر دایر بر آتش‌بس در غزه را وتو کرد. عمار بن جامع، سفیر الجزایر در سازمان ملل متحد، گفت قطعنامه‌ای که وی ارائه کرده است بر اساس گفتگوهای پانزده عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد شکل گرفته است. با وجود این از او خواسته شد تا طرح قطعنامه را به تعویق بیندازد، اما کشورش نپذیرفت. او پاسخ داد: «سکوت

گزینه مناسبی نیست. اکنون زمان عمل و زمان حقیقت است». هنگامی که دیوان بین‌المللی دادگستری در ۲۶ ژانویه اعلام کرد که گنجانیدن اقدامات اسرائیل در غزه ذیل عنوان نسل‌کشی «قابل قبول» است، الجزایر متعهد شد که از طریق شورای امنیت سازمان ملل متحد اقدام فوری انجام دهد.

از ۷ اکتبر، اسرائیل نزدیک به ۳۰٬۰۰۰ فلسطینی را در غزه کشته است که بیش از ۱۳٬۰۰۰ تن از آن‌ها کودک بودند. از زمان صدور حکم دیوان بین‌المللی دادگستری در ۲۶ ژانویه برای توقف نسل‌کشی، اسرائیل بیش از ۳٬۰۰۰ فلسطینی را کشته است. پس از ماه‌ها فرار از یک منطقه امن ادعایی به منطقه‌ای دیگر که اسرائیل سپس بمباران کرده است، بیش از ۱/۵ میلیون فلسطینی – بیش از نیمی از جمعیت غزه – اکنون در رفح، جنوبی‌ترین نقطه غزه و اینک متراکم‌ترین نقطه در جهان از لحاظ جمعیتی، به دام افتاده‌اند. رفح که قبل از ۷ اکتبر ۲۷۵٬۰۰۰ نفر جمعیت داشت، اکنون توسط اسرائیل بمباران می‌شود.

علی‌رغم این واقعیت تلخ، سفیر توماس-گرینفیلد گفت که ایالات متحده نمی‌تواند از قطعنامه آتش‌بس حمایت کند زیرا در آن حماس محکوم نشده و ظاهراً مذاکرات جاری برای آزادی گروگان‌ها را به خطر می‌اندازد. ژانگ جون، سفیر چین در سازمان ملل، مخالفت کرد و خاطرنشان کرد که وتو «هیچ تفاوتی با نشان دادن چراغ سبز به ادامه کشتار ندارد». وی گفت: «تنها با خاموش کردن آتش جنگ در غزه می‌توانیم مانع از سرایت آتش جهنم به سراسر منطقه شویم.»



اردوگاه ۲۱، علاء البابا، فلسطین، ۲۰۲۱

۳

درواقع، بیانیهٔ توماس-گرینفیلد در شورای امنیت سازمان ملل متحد مکمل تلاش دولت متبوع او برای ارائهٔ ۱۴ میلیارد دلار کمک نظامی به اسرائیل بود. از سال ۱۹۴۸، زمانی که اسرائیل ایجاد شد، ایالات متحده بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار به آن کمک کرده است، از جمله پرداخت سالانه ۴ میلیارد دلار کمک نظامی (و ده ها میلیارد دلار از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ که همچنان ادامه دارد). هنگامی که جو بایدن، رئیس جمهور ایالات متحده در ۱۱ فوریه با بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل صحبت کرد، به جای انتقاد از نسل کشی، مجدداً بر «هدف مشترک آن ها برای شکست حماس و تضمین امنیت بلندمدت اسرائیل و مردمش» تأکید کرد. وتوی توماس-گرینفیلد به هیچ وجه یک رأی خلق الساعه نبود.



دژدیسیگی‌های پراکنده در غایت خود، فوکویو ماتسویی، ژاپن، ۲۰۰۷

حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد نزدیک به ۳۰۰ بار استفاده شده است. از سال ۱۹۷۰، ایالات متحده بیش از هر یک از اعضای دائمی دیگر (چین، فرانسه، روسیه و بریتانیا) از این قدرت استفاده کرده است. بسیاری از وتوهای ایالات متحده، ابتدا برای دفاع از رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی، که در همان سال تأسیس اسرائیل روی کار آمد، و سپس

دفاع از اسرائیل در برابر هرگونه انتقادی به کار گرفته شده است. به عنوان مثال، ۲۷ مورد از ۳۳ وتویی که ایالات متحده از سال ۱۹۸۸ اعمال کرده، در دفاع از اقدامات اسرائیل علیه فلسطینیان بوده است. از ۷ اکتبر، ایالات متحده سه قطعنامه سازمان ملل مبنی بر واداشتن اسرائیل به توقف بمباران و نسل کشی را وتو کرده است (۱۸ اکتبر، ۸ دسامبر، و ۲۰ فوریه).

علی‌رغم استفاده مکرر از این حق توسط ایالات متحده، واژه «وتو» در منشور سازمان ملل (۱۹۴۵) وجود ندارد. با این حال، بند ۳ ماده ۲۷ منشور می‌گوید رأی‌گیری در شورای امنیت «با رأی مثبت ۹ عضو، از جمله آرای موافق اعضای دائمی صورت می‌گیرد». مفهوم «رأی موافق» به عنوان «حق وتو» تفسیر می‌شود. دهه‌های متمادی اغلب کشورهای عضو سازمان ملل اصرار داشتند که شورای امنیت سازمان ملل دموکراتیک نیست و حق وتو اعتبار آن را حتی کمتر می‌کند. هیچ کشور آفریقایی یا آمریکای لاتین دارای کرسی دائمی در شورا نیست و کشوری که بیشترین جمعیت جهان را دارد – هند – نیز از این امتیاز محروم است. P5 (Permanent Five)، یا پنج عضو دائمی (نه تنها بر شورای امنیت تسلط یافته‌اند، بلکه اهمیت مجمع عمومی سازمان ملل را نیز تضعیف کرده‌اند زیرا قطعنامه‌های آن هیچ‌گونه ضمانت اجرایی ندارد.

در سال ۲۰۰۵، سازمان ملل متحد یک نشست جهانی برای ارزیابی تهدیدهای سطح بالا برای نظم جهانی برگزار کرد که در آن، معاون رئیس‌جمهور وقت کاستاریکا، لینث سابوریو چابری، گفت که «حق وتو باید در برخورد به مقولاتی نظیر نسل‌کشی، جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و نقض گسترده حقوق بشر، ملغی شود». پس از آن اجلاس،

کاستاریکا با اردن، لیختن اشتاین، سنگاپور و سوئیس برای ایجاد «پنج کوچک» (Small Five یا S5) برای حمایت از اصلاح شورای امنیت سازمان ملل متحد شد. آن‌ها بیانیه‌ای را در مجمع عمومی طرح کردند که در آن تصریح شده بود: «در صورت وقوع نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و نقض جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه، هیچ عضو دائمی مجاز نیست با استناد به بند ۳ ماده ۲۷ منشور از حق وتو استفاده کند». اما این قطعنامه هیچ تأثیری نداشته است. پس از انحلال S5 در سال ۲۰۱۲، بیست‌وهفت کشور به هم پیوستند تا گروه پاسخگویی، انسجام و شفافیت (ACT) را ایجاد کنند که عمدتاً متمرکز بر اصلاح «حق وتو» است. در سال ۲۰۱۵، گروه ACT یک آیین‌نامه اجرایی را به‌طور خاص در مورد اقدامات سازمان ملل علیه نقض جدی قوانین بشردوستانه منتشر کرد. تا سال ۲۰۲۲، یکصد و بیست و سه کشور این قانون را امضا کردند، اگرچه سه کشوری که در چند سال گذشته بیشترین استفاده را از حق وتو کرده‌اند (چین، روسیه و ایالات متحده) این قانون را امضا نکرده‌اند. با افزایش تنش‌هایی که آمریکا بر چین و روسیه تحمیل کرده است، بعید است که این دو کشور – که اکنون مورد تهدید حمله ایالات متحده هستند – لغو حق وتو را بپذیرند.



کو-ویدا، آنا سوفیا ترپستان، کاستاریکا، ۲۰۲۰

منشور ملل متحد، مهم‌ترین معاهده روی کره زمین، تلاشی برای پایان دادن به جنگ و تضمین این است که زندگی هر انسانی گرمی داشته شود. اما با این حال، جهان ما بر اثر یک تقسیم‌بندی آحاد بشر در سطح بین‌المللی، که بر اساس آن ارزش جان برخی از مردم بسیار بیشتر از جان دیگران است، به دو پاره تقسیم شده است. این تقسیم‌بندی ناقض اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و فطرت مشترک بنیادین مبنی بر برابری اجتماعی است. به عنوان مثال، پاسداشت جان کودکان فلسطین از فوریت بسیار کمتری نسبت به حمایت از کودکان اوکراین برخوردار است. (همان‌طور که کلی کوبیلا، خبرنگار ان‌بی‌سی نیوز لندن گفت، اوکراینی‌ها صرفاً پناهندگانی از ناکجاآباد نیستند: «به صراحت بگوییم... آن‌ها مسیحی هستند؛ سفید هستند.») این تقسیم‌بندی آحاد بشر در سطح بین‌المللی نسل به نسل در وجدان عمومی رخنه می‌کند.



در کتاب آغوش‌ها (۱۹۹۲)، دوست ما ادواردو گالئانو، قطعه‌ای کوتاه در باب تقسیم‌بندی‌های غمناکی نوشت که دنیای ما را به مصیبت کشانده و چوب‌دستی سرد و آهنینی بر قلب حس انسانیت ما می‌کوبد. این قطعه «هیچ‌کس‌ها» نام دارد:

کک‌ها رویای خرید سگی برای خود را در سر می‌پرورانند اما «هیچ‌کس» رؤیای رهایی از فقر را در سر نمی‌پروراند: آن روز جادویی که ناگهان ستاره بخت و اقبالش خواهد دمید، که باران رحمت بر سرش خواهد بارید. اما بخت خوب نه دیروز بر سرش بارید، نه امروز می‌بارد نه فردا؛ هرگز. از اقبال مساعد حتی به اندازه یک نم باران هم خبری نیست، فرقی هم ندارد چقدر برایش نذر و نیاز کند.

۹

هیچ‌کس‌ها: فرزندان هیچ‌کس، صاحبان هیچ چیز. هیچ‌کس‌ها: هیچ‌کاره‌ها، هیچ‌ها. مانند خرگوش این‌سو و آن‌سو می‌دوند تا عمرشان سرآید.

کسانی که نیستند، اما می‌توانند باشند.
کسانی که زبان ندارند، بلکه «گویش» دارند.
کسانی که دین ندارند، «خرافات» دارند.
کسانی که هنر نمی‌آفرینند، بلکه «صنایع دستی» می‌سازند.
کسانی که فرهنگ ندارند، اما «فولکلور» دارند.
که انسان نیستند، «منابع انسانی» هستند.
کسانی که چهره ندارند، بلکه «بازو» دارند.
کسانی که نام ندارند، اما شماره دارند.

کسانی که در تاریخ جهان اثری از آثارشان نیست، بلکه در ستون حوادث روزنامه محلی نامی از ایشان به میان می‌آید. «هیچ‌کس»هایی که ارزش گلوله‌ای که آنان را می‌کشد، از ایشان بیشتر است.

با مهر،

ویجی